

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۷

دانش پزشکی از نگاه نوشتارهای دین زرتشتی

عادل الهیاری^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۹

چکیده:

موبدان زرتشتی در ایران باستان باور داشتند که دین‌شان آراسته به همه دانش‌هاست. بنا بردینکرد که مهم‌ترین منبع اطلاعاتی ما برای آگاهی از اوستای روزگار ساسانیان است پزشکی نیز در شمار همین دانش‌ها بود. اینکه در یکی از بلندترین فصل‌های کتاب دینکرد سوم که تأکید دارد برگرفته شده از آموزه‌های دین زرتشتی است، یکسره به دانش پزشکی و قوانین مربوط بدان پرداخته‌اند، یا در دینکرد هشتم که خلاصه‌ای از نسک‌های گمشده اوستای ساسانیان را بازگو می‌کند در این باره سخن رانده‌اند، از آن‌روست که ایشان باور داشتند پزشکی دانشی اهورایی است که به یاری آن می‌توان بیماری، پیری و مرگ را که از گش اهریمن زاده شده‌اند از آفرینش اهورایی دور کرد. به همین دلیل است که دانش پزشکی در میان نوشتارهای دینی باقی مانده از فرهنگ ایران باستان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌است. افزون بر این در دینکرد، پزشکی را هم‌چون جهان‌بینی دین زرتشتی به دو شاخه مینو پزشکی و گیتی پزشکی بخش کرده‌اند که خود نشان از نوع نگرش این متون به دانش پزشکی و جایگاه آن در جهان‌بینی دین مزدیسنا دارد.

واژگان کلیدی: پزشکی، اوستا، دینکرد، دانش.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه شهید چمران اهواز adelalayar@gmail.com

۱- دین و دانش:

اوستا، کتاب مقدس دین زرتشتی، مهم‌ترین منبع و کهن‌ترین سند دینی ایرانیان باستان است. بنا بر متن‌های فارسی میانه و کتاب‌های نویسندگان مسلمان سده‌های نخستین هجری، ایرانیان می‌پنداشتند که اوستا و تفسیر آن که زند خوانده می‌شود را شخص زرتشت با الهام از اهورامزدا سروده است.^۱ فراتر از این، پیروان زرتشت باور داشتند که دین‌شان در بر دارنده همه دانش‌های وابسته به جهان هستی است.^۲ از این رو، ایشان هر چه را که در شمار دانش می‌پنداشتند و از هر کجا که آمده باشد بخشی از دین (اوستا) می‌شمردند.^۳ در این باره دینکرد چهارم اشاره می‌کند که به فرمان شاپور یکم ساسانی بسیاری از دانش‌ها و علوم آن زمان را از جمله پزشکی، ستاره‌شناسی، زمان، مکان و ... را از سرزمین‌های هند، روم و دیگر جای‌ها گرد آوردند و با اوستا سنجیدند و هر چه را درست (منطبق) پنداشتند بدان افزودند.^۴ در واقع ساسانیان با گجانندن دانش یونانی و سنسکریت در اوستا چنین توجیه کرده‌اند که این دانش‌ها پیشتر بخشی از سنت (دین) ایرانی بوده‌اند و اسکندر به هنگام یورش خود آن‌ها را ربوده و به روم برده بود.^۵ دینکرد سوم با اشاره به همین موضوع می‌گوید: «در دوران گزند فرمانروایی اسکندر بدکار شیر بر ایران‌شهر و صاحبان دین، نسخه خزانة شاهی [اوستا] را سوزاندند و نسخه دیگر که در دژنشت بود به دست رومیان (یونانیان) افتاد و به یونانی برگردانده شد، آن‌گونه که پیشینیان گفته‌اند».^۶

۱. تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۶۶-۶۷.

۲. تفضلی، همان، ص ۱۲۹؛ زرن، تعالیم مغان: گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ص ۸۱-۹۶؛ آموزگار و تفضلی، کتاب پنجم دینکرد: آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه، متن پهلوی، ص ۲۶.

۳. شاکد، تحول ثنویت: تنوع آرای دینی در عصر ساسانی، ص ۱۲۹.

۴. دریایی، نا گفته‌های امپراتوری ساسانی، ص ۴۷؛ زرن، زروان یا معمای زرتشتی‌گری، ص ۳۲-۳۷؛ جلیلیان، تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان، ص ۱۰۱؛ رضایی، دینکرد چهارم: آوانویسی، ترجمه، واژه‌نامه، ص ۵۹-۶۳؛ بویس، زردشتیان: باورها و آداب و رسوم آنها، ص ۱۴۳.

۵. شاکد، از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، ص ۲۵۹؛ دریایی، نا گفته‌های امپراتوری ساسانی، ص ۴۹.

۶. دریایی، همان، ص ۴۹.

در نتیجه ساسانیان تنها چیزی را بازگرداندند که هشت سده پیش از آن اسکندر از ایرانیان به یغما برده بود.^۱ اوستایی که ساسانیان بدین گونه گردآوری کردند دانشنامه‌ای بود دارای علوم و فنون گوناگون که به بیست و یک نَسک تقسیم شده بود.^۲ اما پس از یورش تازیان مسلمان و فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان پیروان دین زرتشت کم کم به گروه‌هایی در اقلیت، پراکنده و ناامید تبدیل شدند و پیامد این رخدادها باعث ضعف و سستی آموزه‌های دینی شد.^۳ امروزه با بررسی نوشته‌های کتاب دینکرد هشتم که خلاصه‌ای از اوستای ساسانی را ارائه می‌دهد درمی‌یابیم که بخش‌های بزرگی از اوستای ساسانیان تا سده سوم هجری کماکان در دسترس بوده‌است و تنها نسک یازدهم و ترجمه پهلوی نسک پنجم از میان رفته بود، اما پس از این دوران اوستا دچار پراکندگی شده‌است، چنان که امروزه تنها یک چهارم اوستای ساسانیان برای ما باقی مانده‌است.^۴ با همه این‌ها خوشبختانه بخش بزرگی از دانش پیشینیان به وسیله کتاب دینکرد که در اصل نسک‌های گمشده اوستا را بازگو می‌کند یا به گونه‌ای ویژه به اوستا ارجاع می‌دهد به دست ما رسیده‌است.^۵ در واقع دینکرد به معنای «تألیف دینی» است و «دین» در این واژه و بسیاری جاهای دیگر به معنای گفتار و کتاب دینی (اوستا و زند) بکار رفته‌است؛ بنابراین نام کتاب گویای این است که دینکرد را مولفانش بر پایه اوستا و زند آن نوشته‌اند، از این گذشته، واپسین مؤلف دینکرد چگونگی سرگذشت کتاب دینکرد را همانند اوستا می‌داند، وی باور دارد که دینکرد همانند اوستا الهام اهورامزدا به زرتشت است که از نیاکان سینه به سینه، با همه شوربختی‌ها و

۱. دریایی، همان، ص ۴۹؛ شاکد، از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، ص ۲۵۹.

۲. شهبازی، تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، ص ۳۸۶؛ راشد محصل، اوستا: «ستایش‌نامه راستی و پاکی»، ص ۴۰.

۳. چوکسی، ستیز و سازش زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، ص ۲۵-۶۴؛ ویدن‌گرن، دینهای ایران، ص ۴۶۹-۴۷۰؛ راشد محصل، همان، ص ۲۰؛ یارشاطر، از پیشگفتار احسان یارشاطر بر کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزندان ساسانی از شائول شاکد ترجمه‌ی فرشته آهنگری، ص ۱۳.

۴. دومناش، «دینکرد»، ص ۷۶۰؛ تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۷۱-۷۲؛ راشد محصل، اوستا: «ستایش‌نامه راستی و پاکی»، ص ۲۲.

۵. ویدن‌گرن، دینهای ایران، ص ۲۲.

ویرانی‌ها، به دست او رسیده است.^۱ اگر چه دینکرد در آغاز دارای ۹ کتاب بوده، ولی دینکرد کنونی تنها ۷ کتاب است، از جلد سوم تا نهم، در واقع کتاب‌های یکم و دوم و بخش‌های آغازین کتاب سوم از میان رفته است. دینکرد شامل اسطوره، افسانه، تاریخ، ادبیات، حکمت، پند و اندرز، باورهای و عقاید زرتشتیان است، از این رو این کتاب را «دانشنامه مزدیسنا» نام نهاده‌اند.^۲ در کتاب سوم دینکرد که در آغاز هر بخشی تأکید دارد برگرفته شده از کلام ایزدی و دین زرتشتی است، در فصل ۱۵۷، به گونه‌ای گسترده به دانش پزشکی و امور مربوط بدان پرداخته‌اند.^۳ هم‌چنین تردیدی نیست که این فصل از دینکرد سوم برگرفته شده از منابع دوران ساسانیان است.^۴ افزون بر این، دینکرد هشتم که چکیده‌ای از ۲۱ نسک اوستای دوران ساسانیان را دربردارد، گزارش‌هایی ارائه می‌دهد از نسک‌ها و دانش‌های این جهانی، هم‌چون پزشکی که در فصل ۳۷ بدان اشاره شده است.^۵ در واقع از روی دینکرد هشتم می‌دانیم که در بخش دادیگ (Dādîg) اوستا در هوسپارم نسک (Huspārām)،^۶ و چهرداد نسک (Čihrdād)،^۷ به دانش پزشکی پرداخته بوده‌اند. شوربختانه این بخش‌ها در اوستای کنونی از میان رفته است و اوستا امروزه بیشتر نوشتارهای ادبی را در بر می‌گیرد.

شیراز: مرکز علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۱۲۸-۱۲۹.
۲. تفضلی، همان، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ دومناش، «دینکرد»، ص ۷۶۰-۷۶۱؛ یارشاطر، از پیشگفتار احسان یارشاطر بر کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزندگان ساسانی از شائول شاکد ترجمه‌ی فرشته آهنگری، ص ۱۳-۱۴؛ دوشن‌گیمین، دین ایران باستان، ص ۸۷-۸۸.
۳. تفضلی، همان، ص ۱۳۱.
۴. کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۵۱.
۵. یارشاطر، از پیشگفتار احسان یارشاطر بر کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزندگان ساسانی از شائول شاکد ترجمه‌ی فرشته آهنگری، ص ۱۵.
۶. کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۴۹.
۷. رضی، اوستا: کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان، ص ۲۲۵.

۲- پیدایش بیماری و درمان بنا بر اسطوره‌های دین زرتشتی:

بنا بر فرگرد بیست و دوم *وندیداد* بندهای یکم و دوم، در آغاز که اهورامزدا جهان مادی را آفرید آن را زیبا و درخشان آفرید، در مقابل، اهریمن مرگ آفرین نیز با بد چشمی خود ۹۹,۹۹۹ بیماری پدید آورد.^۱ به نظر می‌رسد از این تعداد بیماری که اهریمن در آغاز آفریده بود در هنگام تألیف دینکرد کمتر از نیمی از آن‌ها باقی مانده بود! چرا که در دینکرد سوم شماره بیماری‌ها را ۴۳۳۳ گونه دانسته‌اند.^۲ به هر روی، در کتاب *بندش آمده* است که اهریمن در یورش خود به آفرینش اهورایی *خرفستران*^۳ گزنده و زهرآگین را بر زمین آفرید و گیاهان را به زهر آلود و سرانجام نیاز، بلا، درد، بیماری، هوس و کاهلی را بر تن گاو و کیومرث فرو فرستاد.^۴ افزون بر این‌ها در کتاب *گزیده‌های زادسپرم* نیز اشاره شده است که اهریمن در تازش خود به جهان اهورایی دیو مرگ را به همراه یک هزار بیماری گوناگون برای نابودی کیومرث فرستاده است.^۵ با این وجود و در برابر کنش اهریمن، اهورامزدا نیز ائیریم را بر زمین فرو فرستاد تا درمان را بیاورد در برابر ۹۹,۹۹۹ بیماری که اهریمن پدید آورده بود.^۶ در همین رابطه *بندش* نیز اشاره می‌کند، هر دارویی را که مردمان برای درمان بیماری می‌خورند تنها به یاری ائیریم است که به کار می‌آید.^۷ در واقع شناخته شده‌ترین کلام مقدس زرتشتیان برای دور راندن بیماری دعای «*اَئیرِیْمَن ایشِیَه*» است، زیرا ائیریم نخستین پزشک مینوی دانسته می‌شود که چاره و درمان بیماری‌ها به دست او سپرده

۱. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ص ۸۸۵-۸۸۶.

۲. صوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۵۹.

۳. به معنی حشره و جانور موذی است.

۴. بهار، *بندش*، ص ۵۲.

۵. راشد محصل، *گزیده‌های زادسپرم*، ص ۷.

۶. دوستخواه، کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ص ۸۸۵-۸۸۸.

۷. بهار، *بندش*، ص ۱۱۵.

شده است.^۱ از سویی دیگر، اوستا نخستین پزشک و درمان‌گر انسان‌ها را ثریته^۲ (Orita) نامیده است.^۳ با این همه، براساس دینکرد هفتم، آن که از روی نیکی بسیار پزشکی و دیگر دانش‌ها را به گونه رازآمیز و کاملی آشکار کرد و همچنین درمان بیماری‌هایی را که بیرون از اندیشه پزشکان بود بر مردمان پدیدار نمود، زرتشت پیامبر بوده است.^۴ به هر روی و بنا بر فلسفه دین زرتشتی، دانش پزشکی روشی برای شناخت و مقابله با مرگ و بیماری‌ها و در نتیجه نابودی نیروهای اهریمنی شمرده می‌شود.^۵ در واقع در اندیشه دین زرتشتی دانش پزشکی همراه با روند و سیر آفرینش از آغاز تا فرسنگرد^۶ همراه با رخداد‌های جهان هستی نقشی اساسی را در نبرد و یاری اهورا برای پیروزی بر اهریمن بازی می‌کند،^۷ زیرا درمان و نابودی بیماری کمک به پیروزی اهورا بر اهریمن است. از این روست که در ادبیات آخرالزمانی زرتشتی گفته شده است: «اندر هزاره هوشیدرماهان^۸، مردم در پزشکی چنان زیر دست باشند، چنان دارو و درمان به کار آورند و برند که هر چند کسی را مردن شاید^۹، پس او نمیرد، اگرچه به شمشیر و کارد زنند و گشند».^{۱۰} سرانجام نیز پس از پیدایی سوشیانت در سومین هزاره، پزشکی چنان پیشرفت خواهد کرد که بیماری و

۱. آموزگار، تاریخ اساطیری ایران، ص ۳۹.

۲. ثریته تواناترین مرد از خاندان سام شمرده می‌شود و از میان مردمان سومین کسی است که هوم را به آیین می‌فشارد و به پاداش این کار دارای دو فرزند می‌شود: اورواخشیه قانون گذار و گرشاسب گیسو دراز. ثریته سرانجام به دست یکی از بزرگان دیویستان به نام هیتاسپ کشته می‌شود.

۳. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج ۲. ص ۸۷۵.

۴. آموزگار و تفضلی، اسطوره زندگی زرتشت، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۵. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ صوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۲۹-۳۰.

۶. رستاخیز، روز برخاستن مردگان.

۷. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج ۲. ص ۱۶۸.

۸. یکی از موعدهای دین زرتشتی.

۹. روبه مرگ، در خور مردن.

۱۰. هدایت، زند و هومن یسن (و کارنامه اردشیر بابکان)، ص ۶۶.

مرگ از میان رخت برخواهند بست.^۱ درست همان‌گونه که در جهان آغازین و پیش از تازش اهریمن چنین بوده است.^۲

۳- ریشه واژه پزشکی:

واژه «پزشک» که «پزشکی» از آن آمده است، ریختی دیگر از واژه پهلوی / فارسی میانه «پزشک» است.^۳ واژه اوستایی *baēšaza* «پزشک، درمان‌بخش»^۴ <سنسکریت: *bhiśák*>^۵ از ریشه *biśaz* «درمان کردن» آمده است^۶، <سنسکریت: *bhiśáj*>^۷ این واژه از ریشه هندوایرانی *biś/bhič* که گویا از واژه هندواروپایی *bhθ-s-* و آن نیز از *bh* به معنای «سخن گفتن» است گرفته شده.^۸ این واژه در ایرانی باستان *biśaz-ka*،^۹ در پارسی باستان *bziśk* یا *biziśk*، در متون مانوی تورفان *biśehk*، و *bēšāz* و *bēšāzāg*،^{۱۰} در فارسی میانه *biześk* و *piziśk* آمده است.^{۱۱} واژه‌های پزشکی و پزشکی، در نوشتارهای فارسی نو در سده چهارم هجری به گونه پزشکی (احتمالاً پجشک) و پجشکی (احتمالاً پجشکی) نیز دیده می‌شود.^{۱۲}

۱. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج. ۲، ص. ۱۶۸؛ رضی، سوشیانت/سوشیانس: موعود و پیامبر آخر الزمان در دین زرتشتی، ۱۱۳-۱۱۵؛ هدایت، زند و هومن یسن (و کارنامه اردشیر بابکان)، ص. ۱۲۱.

۲. رضی، همان، ص. ۱۱۳-۱۱۵.

۳. جلیلیان، تاریخ جندی شاپور، ص. ۵۳؛ اعلم، «پزشکی: ۱. واژگان»، ص. ۶۰۵-۶۰۶.

4. Bartholomae, *Altiranischen Wörterbuch*. p.914.

5. Mayrhofer, *Kurzgefaßtes Etymologisches Wörterbuch des Altindischen*. p.502.

۶. حسن دوست، فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، ص. ۲۷۰.

7. Whitney, *The Roots Verb-Forms and Primary Derivatives of the Language*. p.111.

8. Pokorny, *Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch, I*. p.105-106.

9. Nyberg, *A Manual of Pahlavi*, vol. II. p.48.

۱۰. بویس، فهرست واژگان ادبیات مانوی در متن‌های پارسی میانه، ص. ۴۹-۵۳.

11. Mackenzie, *A Concise Pahlavi Dictionary*. p. 18.

۱۲. جلیلیان، تاریخ جندی شاپور، ص. ۵۳؛ اعلم، «پزشکی: ۱. واژگان»، ص. ۶۰۵-۶۰۶.

۴- کهن‌ترین بخش‌بندی دانش پزشکی:

در فلسفه دین زرتشتی جهان هستی به دو بخش مینو (mēnōg) و گیتی (gētīg) تقسیم می‌شود، این نکته در دین زرتشتی و بویژه در متون متاخر زرتشتی جایگاه مهمی را داراست.^۱ از آنجا که دینکرد نیز در شمار متون متاخر زرتشتی شمرده می‌شود، نویسندگان آن در آغاز فصل مربوط به پزشکی، این دانش را نیز به دو بخش مینو پزشکی (mēnōg-bizeškīh) و گیتی پزشکی (gētīg-bizeškīh) تقسیم کرده‌اند. مینو پزشکی را استفاده از نیرنگ‌های (دعاها) دین بهی برای درمان بیماری‌ها اهریمنانه برشمرده‌اند و گیتی پزشکی را بهره‌گیری از دانایی دین بهی برای درمان بیمارهای اهریمنانه خوانده‌اند. سپس اشاره شده‌است که منظور از مینو پزشکی همان روان‌پزشکی (ruwān-bizeškīh) است و منظور از گیتی پزشکی نیز تن پزشکی است (tan-bizeškīh).^۲ بر پایه دینکرد سوم هدف از روان‌پزشکی که آن را دارای سه بخش اندیشه (menišn)، گفتار (gōwišn) و کردار (kunišn) می‌دانستند و در شمار پیشه (طبقه) آسروانی^۳ (= آذربانی / موبدی) می‌شمردندش، نگاه‌داری روان در برابر آلودگی به گناه و زدودن روان هنگامی که به گناه آلوده می‌شود، بنا بر آموزه اردیبهشت امشاسپند بوده‌است.^۴ با توجه به اردیبهشت یشت اوستا که بخش‌هایی از آن ویژه افسون‌ها و نیایش‌هایی است که زرتشتیان برای دور راندن بیماری می‌خوانده‌اند و با توجه به اشاره‌های دینکرد، به نظر می‌رسد در باور پیروان مزدیسنا اردیبهشت امشاسپند به گونه‌ای نمادین نگاه‌داری و سلامت روان انسان را بر عهده داشته‌است.^۵ طبقه

۱. شاکد، از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، ص ۶۷.

۲. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج ۲. ص ۱۵۷؛ صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۳۰-۳۷.

3. asravân.

۴. فضیلت، همان، ص ۱۶۷؛ صبوری، همان، ص ۵۵.

۵. صبوری، همان، ص ۱۱۰-۱۱۱.

آسرونی بر اساس بخش بندی جامعه زرتشتی نخستین طبقه به شمار می‌رفت.^۱ همچنین گزینش و آزمون روان‌پزشک را خویشکاری^۲ «زرتشتروتوم» (zarduštrōtom) می‌دانستند، «زرتشتروتوم» در لغت به معنای کسی است که بیش از همه به زرتشت همانند است، یا به دیگر سخن، زرتشت‌وارترین فرد زمانه بوده است.^۳ در واقع وی برترین روان‌پزشک و رئیس همه روان‌پزشکان کشور شمرده می‌شد.^۴ پژوهش‌گرانی چون زرن، کریستن‌سن و سامی این لقب را عنوانی برای شناساندن بزرگ‌ترین پیشوای دین زرتشتی که همان مسمغان یا موبدان موبد باشد، می‌دانند.^۵ جالب این که در سنگ‌نوشته شاپور یکم ساسانی مربوط به سده سوم میلادی در کعبه زرتشت در نقش‌رستم فارس، از بند ۲۲ تا ۲۹ سنگ‌نوشته،^۶ فهرست بلند بالایی از نام درباریان ساسانیان در دوره پادشاهی سه تن از شاهان نخستین این دودمان آورده شده است، اما با این وجود هیچ اشاره‌ای به پزشک یا پزشکان درباری در آن جا نرفته و تنها به «کردیر هیربد»^۷ اشاره شده است.^۸ وی در تاریخ آغازین شاهنشاهی ساسانیان پایگاهی بلند دارد و بنابر شهادت سنگ‌نوشته‌های

۱. کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۴۸-۱۵۴؛ یارشاطر، «تاریخ ملی ایران»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (جلد سوم-قسمت دوم)، ص ۱۶-۱۸.
۲. برعهده
۳. به معنای ایزد نگهبان پیشوایان دینی نیز است.
۴. اوشیدری، دانشنامه‌ی مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، ص ۳۰۵.
۵. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج ۲، ص ۱۶۴؛ صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۴۸.
۶. زرن، تعالیم مغان: گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ص ۸۷؛ کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۵۳؛ سامی، تمدن ساسانی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ اوشیدری، دانشنامه‌ی مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، ص ۴۳۵.
۷. گرچه متن هر سه تحریر سنگ‌نوشته (یونانی، پارسی و فارسی میانه) یکی است، اما در اینجا بخش بندی متن پارسی مد نظر است.

8. kardīr herbed

۹. عریان، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)، ص ۷۰-۷۲.

پهلوی بزرگ‌ترین پیشوای دین مزدیسنا بشمار می‌رفته‌است،^۱ و تنها نام اوست که به عنوان روحانی در آن سنگ‌نوشته کنده شده‌است، از این رو شاید بتوان نتیجه گرفت در آن زمان کردیر نماینده پزشکان درباری و بویژه شاخه روان‌پزشکی بوده‌است که از سویی در دست روحانیان بود و از سوی دیگر برترین روش درمان نیز شمرده می‌شد.

به هر روی، درباره تن پزشکی نیز دینکرد می‌گوید بنا بر آموزه ائیریمین، هدف از تن پزشکی نگه‌داری تندرستی است یا درمان تن هنگامی که بیماری بر آن راه یافته‌است.^۲ گویا پیروان مزدیسنا باور داشتند که برای تندرستی می‌بایست پشتیبانی ایزد ائیریمین را بدست آورند و از این رو این ایزد را که درمان‌بخش‌ترین خواننده می‌شد، می‌ستودند.^۳ بنا بر دینکرد هفتم این فریدون^۴ بود که تن‌پزشکی را که دور کننده همه‌گونه بیماری است از سومین پیشه دین که واستریوشی^۵ (= کشاورزی/شبانگی) باشد پدیدار کرده‌است.^۶ واستریوشان در اوستا سومین طبقه اجتماعی و بر پایه بخش‌بندی جامعه در دوره ساسانیان چهارمین طبقه اجتماعی را شامل می‌شده‌اند.^۷ به علاوه اوستا نیز فروشی فریدون را برای پایداری در برابر انواع بیماری‌ها ستوده‌است.^۸ دینکرد سوم آزمایش و گزینش تن‌پزشکی را خویشکاری درمان‌گر برگزیده یا همان ایران دُرست‌بد (ērān drustbed) می‌خواند و درست‌بدی را شایسته کسی می‌داند که روان همه مردمان را از گناه و تن

۱. شهبازی، تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، ۳۴۶؛ برای آگاهی از سنگ‌نوشته‌های کرتیر ن. ک. به: سنگ‌نوشته‌های کرتیر موبدان موبد. گزارش داریوش اکبر زاده. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایینه.

۲. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج. ۲. ص ۱۶۳؛ صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۴۵.

۳. صبوری، همان، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۴. فریدون پسر آبتین، کسی که ضحاک را به بند کشید.

5. vāstryoskân

6. Madan, *The Complete Texts of the Pahlavi Dinkard*, Parts II, II. p 569.

۷. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۵۴؛ یارشاطر، «تاریخ ملی ایران»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (جلد سوم-قسمت دوم)، ص ۱۶-۱۸.

۸. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج. ۱. ص ۴۲۶.

آن‌ها را از بیماری پیاید.^۱ برای تاریخ ایران نامدارترین درست‌بد در دوران ساسانیان برزویه (طیب)، حکیم) پزشک بود که بنا بر سخن خویش مقام پزشک ویژه خسروانوشیروان را دارا بوده است.^۲

۵- سه روش درمانی کهن و پرکاربرد:

«گیاه پزشکی»، «کارد پزشکی» و «مانسر پزشکی»، به این سه روش درمانی در فرگرد هفتم *وندیداد* بند ۴۴، اردیبهشت یشت بند ۶، فصل ۱۵۷ دینکرد سوم و فصل ۳۷ کتاب هشتم دینکرد پرداخته شده است. همچنین در میان سنت‌های دینی و ادبی بازمانده از دیگر مردمان هندواروپایی نیز به سه روش درمان اشاره شده است که به نظر می‌رسد تا حدود زیادی با سه شیوه کارد پزشکی، گیاه پزشکی و مانسر پزشکی در نوشتارهای پهلوی و اوستا هم‌خوانی دارد.^۳ از این رو ما نیز در اینجا به این سه شیوه درمانی کهن که به نظر کاربرد بیشتری نیز داشته‌اند می‌پردازیم.

۱. گیاه پزشکیان (در اوستا: «اورورو بَشَرَز») (Urvaro baēšaza)، (در دینکرد سوم: «اوروار بَشَرِزیشنی») (urwar-bēšāzišnih). این رده از پزشکان می‌بایست از سودمندی گیاهان آگاه می‌بودند و از گیاهان و رستی‌ها برای بهبود بیماری استفاده می‌کردند. در اوستا، اهورمزدا بارها آفریننده گیاهان درمان‌بخش خوانده شده است.^۴ در بندهش گیاهان پنجمین آفریده مادی اهورمزدا خوانده شده‌اند و آمداد امشاسپند سروری و نگهبانی آن‌ها را بر عهده دارد.^۵ افزون بر

۱. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج. ۲. ص ۱۵۹؛ صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۳۷.

۲. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۵۴-۵۵۷؛ فرای، «تاریخ ملی ایران»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (جلد سوم-قسمت اول)، ص ۲۵۸؛ شهبازی، تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، ص ۵۷۰.

۳. صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۱۳.

۴. پورداد، یشت‌ها، ج. ۱. ص ۱۴۳؛ جلیلیان، تاریخ جندی شاپور، ص ۵۴.

۵. بهار، بندهش، ص ۳۷ و ۱۱۶.

این بندهش به درختِ بس تخمه اشاره می‌کند که در میان دریای فراخکرد^۱ رسته است. این درخت گاه نیک پزشک، گاه کوشا پزشک و گاه همه پزشک خوانده‌شود.^۲ در اوستا نیز همین درخت با نام ویسپُ بَشَزَی (vīspō.baēšazaya)، به معنای پزشک همگان، درمان بخشی همه، «دارنده همه درمان‌ها» نام برده شده‌است.^۳ با این وجود در میان همه گیاهان و رستنی‌ها، گیاه «هوم» (haoma)، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنان‌که، اوستا و بندهش فشرده گیاه هوم را به دلیل خواص درمانیش رَد (سرور و بزرگ) گیاهان دارویی خوانده‌اند.^۴ اوستا هوم را با صفتِ دورئوشَه (dura-oša) می‌خواند، این واژه از دو جزء اوستایی «دور» که در پارسی باستان و فارسی کنونی همچنان به معنای خودش «دور» در مقابل نزدیک- باشد، آمده‌است؛ و جزء دوم از «اَشَه» به معنای «تباهی، نیستی و مرگ» تشکیل شده‌است که روی هم به معنای دور دارنده مرگ یا مرگ زُداست.^۵ در یسنا هات دهم، هوم را این‌گونه ستایش کرده‌اند: «در هر خانه‌ای که بیماری و پلیدی پیدا شود، چون در آن جا از روی راستی ستوده و درود گردد هوم درمان‌بخش، به زودی نابود شود در آن خانه بیماری و پلیدی؛ و برای آن خان و مان درمان و آسایش جایگزین شود».^۶ جالب اینکه، درمان بخشی و پزشک بودن ثریته نیز با گیاه هوم در پیوند است. چرا که بنا بر اوستا، وی سومین کسی بود که هوم را برای جهان مادی آماده کرد و از اهورامزدا خواستار

۱. دریای فراخکرد یا وروکشه یا دریای بی‌انتهای کیهانی، دریایی اسطوره‌ای است که در کنار البرز قرار دارد و یک سوم زمین را در بر می‌گیرد.
۲. همان، ص ۶۵.
۳. جهانگیر کوورجی، بنیادهای اسطوره و حماسه ایران: شانزده گفتار در اسطوره‌شناسی و پژوهی سنجشی، ص ۸۰-۸۱؛ دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج ۱. ص ۴۰۰.
۴. رضی، اوستا: کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان، ص ۴۵۲؛ بهار، بندهش، ص ۸۷؛ اوشیدری، دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، ص ۴۸۴.
۵. رضی، همان، ص ۲۴۶؛ اوشیدری، همان، ص ۴۸۴.
۶. رضی، همان، ص ۴۶۰.

این شد تا به او دارویی بدهد که بتواند در برابر بیماری، درد، پوسیدگی، عفونت و مرگ که از آفرینش اهریمن بر ضد مردمان است، پایداری کند.^۱

برای پیروان مزدیسنا، شناخت و آگاه بودن از چگونگی خواص گیاهان برای درمان بیماری‌ها و نبرد با گُش اهریمن بسیار مهم شمرده می‌شود، چرا که زرتشتیان باور دارند اهورامزدا در برابر هر بیماری که اهریمن آفریده، یک گیاه دارویی آفریده است.^۲ درباره گیاه پزشکی روایتی از شهرستانی در پیوند با معجزه‌ای از اشو زرتشت نیز در دست داریم، در این روایت زرتشت پیامبر سفارش می‌کند تا چشمان نابینای فردی را با استفاده از شیره گیاهی درمان -کنند، چنین کردند و کورینا شد. هر چند شهرستانی می‌افزاید که معجزه‌ای در کار نبوده، و علت درمان کور، آشنایی زرتشت با خواص آن گیاه بوده است.^۳ در دینکرد سوم درباره ویژگی گیاهان دارویی آمده است که دسته‌ای از گیاهان از نخست دارو بوده‌اند و همواره دارو خواهند ماند و اما دسته‌ای دیگر نخست زهرآگین بوده‌اند اما با آمیزش با دیگر گیاهان دارو شده‌اند و چه بسا که در آینده نیز شماری از گیاهان زهرآگین به پادزهر بدل شوند.^۴ در این رابطه بندهش نیز علت زهرآگین بودن پاره‌ای از گیاهان را تازش اهریمن و آمیختگی به گیاهان می‌داند و می‌گوید این کار را اهریمن به توسطه تَیریز^۵ (Tairi) دیو انجام می‌دهد که زهر به گیاهان می‌آمیزد.^۶ افزون بر این‌ها، دینکرد ششم اشاره می‌کند که زرتشتیان نخستین باور داشتند که آخرین داروی جاودانگی گیاهان دارویی هستند.^۷

۱. هینلز، شناخت اساطیر ایران، ص ۶۰؛ دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۴.
۲. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۵۰؛ شاکد، کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزنانگان ساسانی، ص ۱۰۶.
۳. شهرستانی، الملل و النحل، ۳۵۹.
۴. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج ۲، ص ۱۶۹؛ صوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۶۲.
۵. دشمن خرداد امشاسپند که گیاهان و دام‌ها را زهرآلود می‌کند.
۶. بهار، بندهش، ص ۳۷، ۱۱۶ و ۱۲۰.
۷. شاکد، کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزنانگان ساسانی، ص ۱۰۷.

۲. کارد پزشکان (در اوستا: «گرتو بَشَر» (Kareto baēšaza)، (در دینکرد سوم: «کارد بَشَریشنی» (kār-d-bēšāzišnih). ایشان به وسیله کارد/ جراحی بیماران را درمان می کرده‌اند.^۱ بنا بر اوستا، شهرپور امشاسپند (خَشَثَرَه وَئیریه = khshathra – vairyā)، که فلزات نماد زمینی اویند و نگهبانی و پشتیبانی از آن‌ها را بر عهده دارد،^۲ کاردی زر نشان را به ثریته می‌دهد و از این روست که وی را نخستین کارد پزشک خوانده‌اند.^۳ به نظر می‌رسد کارد پزشکی بسیار رایج بوده که فرگرد هفتم *وندیداد* بندهای ۳۶-۴۰ و همچنین بند ۱۳ فصل ۱۵۷ دینکرد سوم یکسره به این روش درمانی پرداخته‌اند. آن گونه که نوشتارهای بازمانده از ایران باستان درباره‌ی پزشکی نشان می‌دهد، کارد پزشکان در میان همه‌ی گونه‌های پزشکی، می‌بایست سخت‌ترین دوره‌ها را می‌گذرانند تا بتوانند جواز پزشکی خود را به دست آورند.^۴ از این رو *وندیداد* و دینکرد تاکید دارند که کارد پزشک باید نخست سه تن از دیویسنان (= نازرتشتیان)، را که بیمارند درمان کند تا چیره‌دستیش در کارد پزشکی را نشان دهد آنگاه وی تازه می‌تواند به درمان مزدیسنان (= زرتشتیان) بپردازد، اگر نه، وی هرگز نمی‌توانست پزشکی کند.^۵ جالب اینکه، نویسندگان رومی هم‌روزگار با اشکانیان از جراحی (کارد پزشکی) ایرانی به نام «آزوناکس» (Azonax) یاد کرده‌اند و وی را در این رشته از پزشکی چنان کاردان می‌دانسته‌اند که به او لقب معجزه‌گر داده بودند.^۶

۳. دعا پزشکان (در اوستا: «مانتره بَشَر» (manthro baēšaza)، (در دینکرد: «مانسر بَشَریشنی» (mānsar-bēšāzišnih). چنانکه پیداست این رده از پزشکان که به وسیله‌ی کلام

۱. پورداد، پشت‌ها، ج. ۱. ص ۱۴۳.

۲. هینلز، شناخت اساطیر ایران، ص ۷۴؛ آموزگار، تاریخ اساطیری ایران، ص ۱۸.

۳. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج. ۲. ص ۸۷۶.

۴. خدادادیان، «روش‌های درمان پزشکان زرتشتیان در ایران باستان»، ص ۱۷۵.

۵. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج. ۲. ص ۷۳۵-۷۳۶؛ جلیلیان، تاریخ جندی

شاپور، ص ۵۴؛ صبوری، پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۴۹.

۶. نجم‌آبادی، تاریخ طب ایران، ج. ۱. ص ۳۶۹.

مقدس و دعا درمان می‌کند، دارای بلند مرتبه‌ترین پایگاه در میان پزشکان بوده‌اند.^۱ اوستا درباره‌ی این رده از پزشکان می‌گوید: «اگر پزشکان چندی با یکدیگر به درمان بیمار بپردازند، یکی با کارد پزشکی، دیگری با گیاه درمانی و آن دیگری با <منسره درمانی>، این سومی است که بهتر از همه بیماری را از تن بیمار آشون دور می‌کند».^۲ از این گذشته اوستا ایشان را درمان‌بخش‌ترین پزشکان نیز خوانده است.^۳ در واقع پیروان مزدیسنا باور دارند که بیماری در نتیجه تازش اهریمن به به آفرینش پاک اهورایی به وجود آمده‌است از این رو در زمان بیماری نیروهای اهریمنی در درون تن جای می‌گیرند و بر او چیره می‌شوند.^۴ برای همین است که خواندن دعا و کلام مقدس موثرترین روش برای دور کردن نیروهای اهریمنی از تن و درمان بیماری شمرده می‌شده‌است. به نظر می‌رسد از آن‌جا که این شیوه درمانی ویژه آسرونان (موبدان) بوده‌است و ایشان نیز بالاترین طبقه اجتماعی بشمار می‌رفته‌اند، مانسرها درمانی برترین شیوه پزشکی خوانده شده‌است.^۵ زرتشتیان باور دارند درمان به وسیله دعا و کلام مقدس از معجزات اشو زرتشت بوده‌است، زیرا هنگامی که وی در دربار کی گشتاسب بسر می‌برد ناگهان اسب شاه فلج شد، گویی که دست و پایش در شکمش فرورفته بود، اما پیامبر با دعا به درگاه اهورامزدا اسب شاه را درمان کرد.^۶ نزد زرتشتیان شناخته‌شده‌ترین کلام مقدس برای دور راندن بیماری دعای «اَئیرِیْمَن ایشِیه» می‌باشد، زیرا ائیریمن نخستین پزشک مینوی دانسته می‌شود که چاره و درمان بیماری‌ها به دست او سپرده شده‌است.^۷ افزون بر این، در فصل ۱۵۷ دینکرد سوم نیز

۱. رضی، اوستا: کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان، ص ۳۴۸.

۲. دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش)، ج ۲. ص ۷۳۷.

۳. همان، ج ۱. ص ۲۸۸.

4. Pekala, *Evil and How to Combat Evil*. p. 29.

5. Lincoln, *Cosmos and Society Indo-European Themes of Creation and Destruction*. p. 101.

۶. آموزگار و تفضلی، اسطوره زندگی زرتشت، ص ۴۳.

۷. آموزگار، تاریخ اساطیری ایران، ص ۳۹.

چندین بار نام ائیریمین می‌آید و گفته می‌شود که اساس کار تن پزشکی آن است که بنابر آموزه ائیریمین تن را در سلامت بیاید و از بیماری درمان کند.^۱

۶-اعتدال بهترین تندرستی:

اعتدال (= میانه‌روی) از جمله مسائلی است که در متون پهلوی زرتشتی بدان بسیار پرداخته‌اند، در واقع ایشان تندرستی را برآمده از اعتدال می‌دانستند و چنین می‌پنداشتند که نادیده گرفتن آن به افراط و تفریط منجر می‌شود که ریشه بیماری‌هاست.^۲ افزون بر این دین اهورا را یک کلمه می‌دانستند، اعتدال، و آن اهریمین را دو واژه می‌شمردند، افراط و تفریط.^۳ در فصل ۱۵۷ دینکرد سوم درباره افراط و تفریط و پیوندش با دانش پزشکی آمده است: «تندرستی در یک <واژه> خلاصه می‌شود که پیمان (= اعتدال) است. بیماری در دو <واژه> خلاصه می‌شود، افراط و تفریط». ^۴ همچنین در دینکرد ششم اشاره شده است که بهترین تندرستی آن است که از اعتدال برآمده باشد.^۵ گرچه این برداشت از بینشی مزدایی برگرفته شده است، اما در آن نشانه‌هایی از اخلاق و فلسفه یونانی نیز به چشم می‌خورد، چرا که مفهوم اصلی در نظریه ارسطویی اخلاق، اندیشه «میانه‌روی» است، و همین اندیشه است که بازتاب خود را در مفهوم ایرانی خود، اعتدال یا «پیمان» (paymān)، نشان می‌دهد.^۶ دیگر اینکه، در اخلاق ارسطویی، میانه‌روی دو کرانه دارد که رذیلت و عیب شمرده شده‌اند و در اندیشه ایرانی، پیمان (اعتدال) در میانه و افراط و تفریط در دو سوی آن جا گرفته‌اند. به نظر می‌رسد ریشه این اندیشه را باید در تفکر یونانی

۱. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج. ۲. ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. آموزگار، «دوگانگی نیکی‌ها و بدی‌ها و برادران دروغین نیکی‌ها در اخلاق زرتشتی»، ص ۳۷۹-۳۸۹.

۳. زهر، تعالیم مغان: گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ص ۹۲.

۴. فضیلت، کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه، ج. ۲. ص ۱۶۷؛ صبوری،

پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد، ص ۵۶.

۵. شاکد، کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزندان ساسانی، ص ۱۴۰.

۶. زهر، تعالیم مغان: گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ص ۸۴.

جست، زیرا نوع نگرش آن که نیکی در میان و بدی در دوسوی آن است با نگاه دوگانگی زرتشتی که نیکی در یک سوی و بدی در سوی دیگر است، متفاوت است. با این همه باید گفت که استفاده از این اندیشه در نوشتارهای ایرانی به هیچ گونه برداشتی صد در صد یونانی نبوده است بلکه اندیشه ایست وام گرفته شده و دگرگون گشته به وسیله اندیشه و فرهنگ ایرانیان باستان.^۱ پیداست که برای پیروان مزدیسنا وام گیری و استفاده از دانش بیگانگان در هر زمینه ای هم چون پزشکی، فلسفه یا دیگر دانش ها ایرادی نداشته است، چرا که پیروان دین زرتشت هر چه را که در شمار دانش می دانستند و از هر کجا که آمده باشد بخشی از دین (اوستا) می شمردند.^۲

نتیجه:

پس با نگاه به متون دینی زرتشتی که درباره دانش پزشکی سخن گفته اند به جایگاه بلند این دانش نزد ایرانیان باستان پی می بریم و هم زمان متوجه می شویم که هر چند ایرانیان اوستای نخستین را در بردارنده همه دانش های مربوط به جهان هستی می دانستند، اما دلیل اهمیت آنان به دانش پزشکی بیش از هر چیز دیگر به نوع نگاه آن ها به جهان هستی و فلسفه دینی شان بازمی گردد، چرا که پیروان مزدیسنا نبرد با کنش اهریمن در جهان مادی را وظیفه خود می پنداشتند. از این رو دانش پزشکی را که در واقع راهی بود برای مقابله و نابودی بیماری (کنش اهریمن) در راس امور دینی می شمردند و به آن اهمیت ویژه ای می دادند، آن چنان که پروایی نداشتند با استفاده از دانش دیگر مردمان به رشد این شاخه از دانش اهورایی کمک کنند. همچنین باید افزود که دنیای آرمانی زرتشتیان جهانی است که در آن پزشکی چنان پیشرفت خواهد کرد که سرانجام پیری، مرگ و بیماری از میان رخت برخواهند بست.

۱. شاکد، از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس های میان فرهنگی، ص ۲۵۹-۲۸۹.

۲. همان، ص ۱۲۹.

منابع و مأخذ:

- آموزگار، ژاله. *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۹۱.
- «دوگانگی نیکی‌ها و بدی‌ها و برادران دروغین نیکی‌ها در اخلاق زرتشتی»، *یکی قطره باران*. جشن‌نامه استاد زریاب خوبی. به کوشش احمد تفضلی. تهران: ص ۳۷۹-۳۸۰.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. *اسطوره زندگی زردشت*. تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۹.
- *کتاب پنجم دینکرد: آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه، متن پهلوی*. تهران: نشر معین، ۱۳۸۶.
- اعلم، هوشنگ. «پزشکی: ۱. واژگان». *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۵. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹. ص ۶۰۵-۶۰۶.
- اوشیدری، جهانگیر. *دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۶.
- بویس، مری. *فهرست واژگان ادبیات مانوی در متن‌های پارسی و فارسی میانه*. ترجمه امید بهبانی و ابوالحسن تهامی. تهران: انتشارات بندهش، ۱۳۸۶.
- پورداد، ابراهیم. *بیش‌ها*، ج ۲. به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۵۶.
- تفضلی، احمد. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۹.
- جلیلیان، شهرام. *تاریخ جندی‌شاپور*. اهواز: دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، ۱۳۹۲.
- جهانگیر کوورجی، کویاجی. *بنیادهای اسطوره و حماسه ایران: شانزده گفتار در اسطوره‌شناسی و پژوهی سنجشی*. گزارش و ویرایش: جلیل دوستخواه. تهران: موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۸.
- چوکسی، جمشید کرشاسپ. ستیز و سازش زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامه ایران نخستین سده‌های اسلامی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۱.
- حسن دوست، محمد. *فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.
- خدادادیان، اردشیر. «روش‌های درمان پزشکان زرتشتیان در ایران باستان». *مجله بررسی‌های تاریخی*. سال دوازدهم. شماره ۴. (بی‌تا). ص ۱۶۳-۱۹۲.
- دریایی، تورج. *ناگفته‌های امپراتوری ساسانی*. ترجمه آهنگ حقانی - محمود فاضلی بیرجندی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۱.

- دوستخواه، جلیل. *اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی* (گزارش و پژوهش). تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۵.
- دوشن‌گیمن، ژاک. *دین ایران باستان*. ترجمه رویا منجم. تهران: نشر علم، ۱۳۸۵.
- دومناش، ژاک. «دینکرد». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت دوم)* پژوهش دانشگاه کیمبریج. گراورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰. ص ۷۶۰-۷۶۸.
- راشد محصل، محمدتقی. *اوستا: ستایش‌نامه راستی و پاکی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷.
- *گزیده‌های زادسپرم*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- رضایی‌باغبیدی، حسن. *راهنمای زبان پارسی: پهلوی اشکانی*. واژه‌نامه پارسی عسکر بهرامی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.
- رضایی، مریم. *دینکرد چهارم: آوانویسی، ترجمه، واژه‌نامه*. زیر نظر سعید عربان. تهران: نشر علمی، ۱۳۹۳.
- رضی، هاشم. *اوستا: کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان*. تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۹۱.
- *سوشیانت/سوشیانس: موعود و پیامبر آخرالزمان در دین زرتشتی*. تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۹.
- زهر، آرسی. *تعالیم مغان: گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۹۳.
- سامی، علی. *تمدن ساسانی*، ج ۲. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۴۲.
- شاپور شهبازی، علیرضا. *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- شاکد، شائول. *از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶.
- *تحول ثنویت: تنوع آرای دینی در عصر ساسانی*. ترجمه سید احمد رضا قائم‌مقامی. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۷.
- *کتاب ششم دینکرد: حکمت فرزندانگان ساسانی*. ترجمه فرشته آهنگری. تهران: انتشارات صبا، ۱۳۹۲.

شهرستانی، ابوالفتح محمد ابن عبدالکریم. *الملل والنحل*. تحریر نو و ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی با مقدمه و حواشی و تصحیح و تعلیقات سید محمدرضا جلالی نائینی. تهران: شرکت افست (سهامی عام)، ۱۳۵۸.

صوری، نرجس بانو. *پزشکی به روایت کتاب سوم دینکرد: متن فارسی میانه، آوانوشت، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه*. با پیشگفتار ژاله آموزگار. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی)، ۱۳۹۰.

عریان، سعید. *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۲.

فرای، ریچارد نلسون. «تاریخ ملی ایران»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (جلد سوم- قسمت اول)*، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷. ص ۲۵۸.

فرنبرگ دادگی. *بندشش*. گزارنده مهرداد بهار. تهران: انتشارات توس، ۱۳۹۰.
فضیلت، فریدون. *کتاب سوم دینکرد: (درسنامه دین مزدایی) آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه*. تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا، ۱۳۸۱.

کریستن سن، آرتور امانوئل. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
نجم‌آبادی، محمود. *تاریخ طب ایران*، ج ۱. تهران: چاپ هنر بخش، ۱۳۴۱.

ویدن گرن، گو. *دنیهای ایران*. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. تهران: انتشارات آگاهان ایده، ۱۳۷۷.

هدایت، صادق. *زند و هومن بیسن (و کارنامه اردشیر بابکان)*. تهران: انتشارات گهید، ۱۳۸۴.

هینلز، جان. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۶.

یارشاطر، احسان. «تاریخ ملی ایران»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (جلد سوم- قسمت دوم)*، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰. ص ۱۶-۱۸.

Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranischen Wörterbuch*, Berlin.

Lincoln, B. (1986). *Myth, Cosmos and Society Indo-European Themes of Creation and Destruction*, Harvard.

Mackenzie, D.N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.

Madan, M.J. (1911). *The Complete Texts of the Pahlavi Dinkard*, Parts II, II, Bombay.

- Mayrhofer, M. (1963). *Kurzgefaßtes Etymologisches Wörterbuch des Altindischen*, Band II, Heidelberg.
- Nyberg, H.S. (1974). *A Manual of Pahlavi*, vol. II, Wiesbaden.
- Pekala, S.K. (2000). *Evil and How to Combat Evil*, Harvard.
- Pokorny, J. (1959). *Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch, I*, Bern-München.
- Whitney, W.D. (1885). *The Roots Verb-Forms and Primary Derivatives of the Language*, Leipzig.

